

آیین بودا و اخلاق سقط جنین^۱

علیرضا شجاعی^۲

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، پژوهشکده ادیان، قم، ایران

چکیده

جنین‌شناسی بودایی در دو هزار و پانصد سال پیش روشن کرده است که زندگی انسان در لحظه بسته شدن نطفه به صورت مستقل از مادر آغاز می‌شود و دستورهای اخلاقی بودا صراحتاً «گرفتن جان» را به هر شکل که باشد خطای بزرگی دانسته‌اند و کسی که به این عمل دست یازد دیگر پیرو بودا نخواهد بود. آموزگاران سنت‌های گوناگون بودایی هیچ‌گاه در خطا بودن سقط جنین تردید نکرده‌اند زیرا قاعده کلی اهی‌مسا (نیاززدن جانداران) تکلیف همه را روشن کرده است. طبق آموزه بودایی گرفتن جان جنین علاوه بر کیفر این جهانی، مجازات کیهانی (قانون کرمه) را نیز به دنبال خواهد داشت. برای همین بوداییان سنتی چندان به این مسئله به صورت مستقل نپرداخته‌اند. اما عده‌ی بودایی غربی کوشیده‌اند با تکیه بر برخی داده‌های دانش جنین‌شناسی جدید میزان مجازات سقط جنین را در مراحل مختلف جنین متفاوت نشان دهند و عامل این تفاوت را در سن جنین و نیت قاتل و میزان رنج فیزیکی جنین دانسته‌اند. واپسین سخن آن که بودا، به خلاف فمینیست‌های معاصر، جنین را شخص می‌دانست.

کلید واژه‌ها

جنین‌شناسی بودایی، تولد دوباره، دستورهای اخلاقی، اهی‌مسا (نیاززدن)، کیفر سقط جنین.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۰

۲. پست الکترونیک: al.shojai@gmail.com

مقدمه

بوداییان سنتی در کشورهای بودایی چندان به مسئله سقط جنین نپرداخته‌اند، و رهبران سنگه (انجمن) بودایی در کشورهایی مانند تایلند، ژاپن و کره، در پیرامون این مسئله چندان سخن نگفته‌اند. اما بودایی‌های غربی علاقه زیادی به طرح آن به عنوان یک مسئله دینی و اخلاقی نشان داده‌اند. این بحث‌ها در غرب در دو سطح صورت گرفته است: یکی مربوط به بحث‌های عالمانه است که در میان فیلسوفان و متألهان مطرح است و دیگری مربوط به بحث‌های سیاسی و اجتماعی روز است که با رهبران دینی، سیاستمداران و شهروندان معمولی صورت می‌گیرد و به غنا و قوت اعلامیه‌ها کمک می‌کند. در یک سطح، فهم رویکرد بودایی به سقط جنین ساده می‌نماید. زیرا آموزه‌های باستان و آموزگاران کنونی بودایی در این موضوع وفاق نظر دارند که سقط جنین عملی خطا و مخالف آموزه‌های بودا است و کسی که به چنین عملی دست یازد قاتل خوانده شده گرفتار عواقب شوم کیهانی (قانون طبیعی کرمه) آن خواهد شد. همه اینها را در متون هینه‌یانه می‌توان یافت. همچنین، «سومین و مهم‌ترین نوع اخلاق مه‌ایانه، یعنی اخلاق غمخوارگی، "اخلاق حمایت از جانداران" خوانده می‌شود».^۱ اما در سطح دیگر، این مسئله چندان ساده به نظر نمی‌رسد. زیرا از نظرگاه‌های غیردینی به ویژه فمینیستی که همواره نظرگاه‌های دینی را به چالش می‌خوانند که بگذریم در جهان بودایی شرق و غرب، اگرچه همه سقط جنین را نامجاز می‌دانند اما برخی کیفر قتل جنین را در مراحل مختلف رشد آن یکی نمی‌دانند. اینجا می‌کشیم همه نظرگاه‌های مختلف را تا حد امکان مطرح کنیم و به نگاه فمینیست‌ها به جنین مبنی بر شخص بودن یا نبودن جنین از منظر بودایی پاسخ دهیم.

شاید طرح چند پرسش و کوشش برای پاسخ به آنها ما را در کشف نظر بودا در این باره یاری رساند. برای مثال، آیا آموزه‌های اخلاقی بودایی مانند اهیمسآ^۲ (نیازردن) می‌تواند مانع سقط جنین شود؟ آیا آیین بودا حامی زندگی است یا از انتخاب فرد حمایت می‌کند؟ زندگی از کی آغاز می‌شود؟ آیا باور به تولد دوباره و خامت سقط جنین را افزایش می‌دهد

۱. شجاعی، علیرضا، «اخلاق مه‌ایانه: تغییر الگوهای هینه‌یانه و تأثیر آن در نجات‌شناسی»، فصلنامه پژوهش‌های ادیان، ش ۱، ۱۳۹۲ش، صص ۷-۲۸.

2. ahimsā

یا از آن می‌کاهد؟ زیرا شاید این اندیشه پیدا شود که چون تولد دوباره در آیین بودا نشانه بدی است پس بهتر آن که به تأخیر بیافتد، اما باید دریافت که پاسخ بودا چیست. پیش از بحث درباره سقط جنین، بهتر است که به بررسی نظرگاه‌های بودایی درباره ماهیت زندگی در رَجَم بپردازیم.

۱. جنین‌شناسی بودایی

جنین‌شناسی بودایی تا حدی به جنین‌شناسی جدید شبیه و مانند است. طبق دانش زیست‌شناسی جدید زندگی انسان با دو حادثه کلیدی آغاز می‌شود، یکی باروری تخمک با اسپرم، که در لوله شیپوری یا لوله رَجَم رخ می‌دهد، که به طور طبیعی پنج تا شصت دقیقه پس از آمیزش صورت می‌گیرد. پس از باروری، یعنی وقتی اسپرم لایه بیرونی تخمک را سوراخ کرده به آن نفوذ می‌کند، حدود ۲۴ ساعت بعد، کروموزوم‌ها در دو دسته ۲۳ تایی با هم ترکیب می‌شوند.^۱ و دیگری کاشت تخمک بارور شده در لوله رَجَم، که شش یا هفت روز بعد رخ می‌دهد، که حاوی بیش از یکصد سلول است؛ چسبیدن کامل تخمک بارور شده به دیواره رَجَم هشت یا نه روز طول می‌کشد.^۲

اینک پرسش این است که از دید آیین بودا، «زندگی انسان» در کدام مرحله از مراحل رشد جنینی آغاز می‌شود؟ مجیمه نیکایه، یکی از مجموعه متون اصلی *کانون پالی*، آغاز زندگی انسان را موقوف به سه شرط می‌داند.^۳ طبق آموزه بودایی سه عامل در پدید آمدن جنین نقش محوری دارد: یکم، آمیزش، دوم، فرا رسیدن دوره باروری، و سوم، حضور روح یک متوفی (گندروه)^۴ که آماده تولد دوباره باشد.^۵ در آیین بودا جنین تشکیل شده را «پنج توده» (اسکنده)^۶ می‌خوانند که تعریف بودا از انسان است. طبق این تعریف، انسان ترکیبی

1. Keown, Damien, *Buddhism and Bioethics*, London, New York, 1995, pp.78, 82.

2. Ibid, pp.76-77.

۳. برای مجیمه نیکایه، نک: پاشایی، بودا، تهران، ۱۳۸۳ش، صص ۳۰۶-۳۰۷.

4. gandharva

5. *Majjhima Nikāya* (Th.); (tr. I. B. Horner), 3 Vols, London, 1954-9, I. 266.

6. skandha

است از پنج چیز، یعنی ۱. کالبد (روپه)، ۲. احساس (ویدنا)، ۳. ادراک (سمگیا)، ۴. حالات روانی (سمسکاره)، ۵. آگاهی (ویگیانه).^۵

طبق این تعریف، تولد دوباره به معنای بیرون آمدن از رحم مادر نیست بلکه بسته شدن نطفه (گبه-ویسم)^۶ در زمان باروری مادر با سه شرط دیگر همراه است، که دو شرط آن بیولوژیک (آمیزش جنسی و آماده بودن رحم برای باروری) و یک شرط آن فرابیولوژیک (حضور روح) است که باید هم زمان رخ دهند. در جهان بودایی نیز شرط ورود به دیر برای رهرو شدن را داشتن دست‌کم سن بیست سالگی می‌دانند،^۷ که از زمان بسته شدن نطفه (بارداری) در رَجِم محاسبه می‌شود نه از زمان بیرون آمدن نوزاد از رَجِم مادر.^۸ گاه متون بودایی زمان ورود روح متوفی در این فرایند را «پیوند دوباره آگاهی»^۹ می‌خوانند^{۱۰} که در دانش پزشکی باستان به کار می‌رفته است.

دانش پزشکی بوداییان اولیه همان باورهای سنتی هندی باستان درباره جریان تولیدمثل معروف به آیورودا^{۱۱} بود. برطبق این برداشت: لخته‌های خون در رَجِم جمع شده، در یک چرخه قاعدگی طبیعی شکسته شده و جریان می‌یابند، و دوره قاعدگی ماهانه را پدید می‌آورند. با متوقف شدن قاعدگی ته‌مانده خون‌ها باقی می‌ماند و در این دوره رَجِم بین سه تا ده روز آماده باروری است. پس از آمیزش، منی با خون قاعدگی به هم می‌آمیزد، و با پیوستن گندرو به این دو، بارداری شکل می‌گیرد. اندیشه بر آن است که جنسیت فرد این زمان تعیین می‌شود و از بارداری به بعد اندام‌های جسمی و روحی سازنده فرد - به تعبیر بودایی‌ها، نامه-روپه^{۱۲} (جان و تن) - با هم شکل گرفته، مانند «مخلوط شیر و آب» یکی می‌شوند، تا آن زمان که مرگ دوباره آنها را از هم جدا کند.

1. rūpa
2. vedanā
3. samjñā
4. samskāra
5. vijñāna
6. gabbha-vīsam
7. *Vinaya Pitaka (Th.)*, (tr. I. B. Horner), 6 Vols, London, 1938-66, I. p.78.
8. *Ibid*, I. 93.
9. patisandhi-cittam
10. *Ibid*, III: 73; A: 437.
11. Āyurvedā
12. nāma-rūpa

با ورود روح یا آگاهی (گندروه) به رَجِم بارداری آغاز می‌شود و جنین طی چند مرحله رشد می‌کند. بوده‌گوسه، دانشمند بودایی قرن پنجم و شارح متون بودایی پالی، در کتاب *راه پاکی*، رشد جنین پس از بارداری را به چهار مرحله تقسیم می‌کند: اولین مرحله کَلَلَه^۱ (جنین) است، دوره‌ای که در آن جنین به «روشن و شفاف» وصف می‌شود، و به «قطره روغن نابی بر تُک تار مو» تشبیه می‌شود. سه مرحله بعدی شامل اَبُودَه^۲، پِسی^۳ و گَنَه^۴ دوره‌هایی هستند که ربط و نسبتی با رشد حجم و استقامت جنین ندارند.^۵ مراحل رشد جنین به شکل خلاصه در یکی از رساله‌های تبتی مربوط به قرن هجدهم، زیر نام «چراغی که با نور خود سه کالبد اصلی را کامل نمایان می‌کند» آمده است. مطالب این رساله نشان می‌دهد که دیدگاه‌های اولیه همچنان استوار باقی ماندند و فقط اندکی دستخوش جرح و تعدیل شدند. این رساله از چگونگی آمیزش قطره‌های خون و منی در رَجِم مادر حکایت دارد، و آگاهی باشنده واسطه‌ای (گندروه) که به این آمیزه می‌پیوندد. سپس این متن به وصف جریان رشد جنین در طول ۲۸ روز می‌پردازد. منابعی که این متن به آنها استناد می‌کند همه در این نکته وفاق نظر دارند که طول دوره بارداری طبیعی ۳۸ هفته است: با این تفاوت که یکی آن را ۲۶۸ روز و دیگری ۲۷۰ روز می‌داند.

پژوهش‌های جنین‌شناختی جدید این آموزه بودایی را مُهر می‌کند که در لحظه بارداری زندگی یک انسان متفاوت و جدای از مادر آغاز می‌شود. مور در یک عبارت کوتاه این را به روشنی بیان کرده می‌نویسد: «رشد یک فرایند مستمر است که با باروری تخمک به وسیله اسپرم آغاز و با مرگ پایان می‌یابد».^۶ اگرچه آیین بودا در دوهزار و پانصد سال پیش روشن کرده است که زندگی فردی کی و چه‌گونه آغاز می‌شود، اما نتایج به دست آمده از برخی جهات به طرز چشمگیری جدید هستند.^۷ از این رو از منظر بودایی میان جنین و نوزاد تفاوتی نیست.

1. kalala

2. abudda

3. pesi

4. ghana

5. *Visuddhimagga* (Th.); (tr. Bhikkhu Nāṇamoli), Kandy, Sri Lanka, 1975, VIII. p.30.

6. Moore, K.L., *The Developing Human: Clinically Oriented mbryology*, Philadelphia, 1973, p.1.

7. Keown, Damien, 1995, p.68.

تانی گوچی، از اخلاق گرایان بودایی، می‌نویسد: «جنین و نوزاد از نظر کیفی هیچ فرقی با هم ندارند.»^۱ آر. اچ. بی. اکسل، عضو بنیاد تکنولوژی سیام در یکی از جستارهای اخیر کوشیده است تا به علم و تکنولوژی جدید از منظر آموزه‌های اصلی بودا نگاه کند. وی پس از بررسی کیفیت زندگی جنین انسانی از منظر علم جدید، نتیجه یافته‌های خود را این طور بیان می‌کند: «این یافته‌ها حاکی از آن است که سقط جنین را باید به مثابه قتل یک انسان دیگر انگاشت، نه برداشتن بخشی از مادر.»^۲ این نتیجه‌گیری با این آموزه بودایی بنیادین سازگار است که می‌گوید همه جانداران به نوعی وابسته به یکدیگرند، و این نکته در جنین آشکار است.

این را نباید از یاد برد که نگرش بودایی به زندگی انسان کاملاً دو سویه است. از یک سو، در کل زاده شدن در هر یک از حالات وجود، از جمله شکل انسانی، را نتیجه کردارهای کرمه‌ای زندگی‌های پیشین می‌داند.^۳ در این میان، جنین که خود یک محصول کرمه‌ای است از سرزنش مصون نیست و حضورش در این جهان با درد و رنج همراه خواهد شد، زیرا اولین حقیقت از حقیقت‌های چهارگانه بودا به این اشاره دارد که «زندگی سراسر رنج است.» بودا به جهان آمدن در هر شکل وجود را بدبختی و نامیمون می‌داند، زیرا هر کودکی که به جهان می‌آید با این پیام همراه است که هنوز به رهایی نرسیده و در چرخه تناسخ (سنساره) اسیر است. از سوی دیگر، می‌گوید تنها راه رسیدن به رهایی زاده شدن به گونه انسان است. انسان شدن یک هدیه نادر است که فرصت گام نهادن در راه بودا را، به عنوان تنها راه رهایی از چرخه وجود، فراهم می‌کند.^۴

اگر چه زندگی به گونه انسان دشوار است^۵ اما ارزش زندگی انسان فقط به دلیل دیرباب بودن آن نیست، بلکه به دلیل دشوار بودن شکل‌گیری آن نیز است. باور بودایی

1. Taniguchi, *A Study of Biomedical Ethics from a Buddhist Perspective*, Berkeley, 1987, p.19.

2. Exell, R.H.B., "Science, Technology and Buddhism", *Sulak Sivaraksa, Buddhist Perception*, no date, p.220.

3. Indasara, Wasin, *Theravada Buddhist Principles: Book II*, Bangkok, 1988, p.90.

4. Kennedy, Alex, Dharmachari Subhuti, *the Buddhist Vision: An Introduction to the Theory and Practice*, London, 1985, pp.139-140.

۵. راه آیین (دقه‌پده)، ترجمه و تألیف ع. پاشایی، تهران، ۱۳۸۰ش، قطعه ۱۸۲.

درباره محیط و کیفیت زندگی جنین با دیدگاه امروزی بسیار متفاوت است. تصور ما این است که جنین زندگی خوش و آسوده‌یی دارد و بدون مراقبت در محیط گرم و امن زهدان در کیسه آب شناور است. باور بودایی درست عکس این دیدگاه است. کتاب سه جهان به روایت روانگ شاه، نوشته یکی از شاهان بزرگ دوره سوکوتای در قرن چهاردهم در تایلند، حاوی مطالبی خواندنی است. این کتاب دقیقاً با تکیه بر متون کانون پالی و تفسیرهای آنها تدوین شده است و یکی از منابع بسیار تأثیرگذار در تفکر بودایی سنتی تایلندی به شمار می‌آید.^۱ یکی از موضوعات این کتاب اشاره به شرایط جنین در زهدان است، می‌نویسد:

«کودک در شکم مادر با مشکلات بزرگی روبه‌رو است: فضا به شدت نفرت‌انگیز و تهوع آور است؛ فضایی مرطوب و انباشته از بوی بد ناشی از بچه کرم‌ها و بچه انگل‌هایی که آنجا زندگی می‌کنند... این کرم‌ها و انگل‌ها همه با هم در شکم مادر وول می‌خورند و چون بیماری پوستی به تن جنین می‌چسبند... سراسر تن او را خون و آب پوشانده است و مدام در حال چکه کردن است؛ کودک به میمونی می‌ماند که با شروع بارش باران به سوراخ درختی پناه می‌برد، می‌نشیند، پاها را با حالتی بی‌حال و غمگینانه بغل کرده به سینه می‌فشرد».^۲

این عبارت‌ها نشان می‌دهد که سقط جنین تا چه حد می‌تواند نامجاز باشد.

۲. سقط جنین و دستوره‌های اخلاقی بودایی

یکی از اصلی‌ترین راه‌ها برای کشف نگاه بودا به سقط جنین، بررسی دستوره‌های اخلاقی اوست. دستوره‌های اخلاقی از نظر سنت صراحتاً سقط جنین را نفی می‌کند. در وینه‌ی سرواستی‌واده، یکی از هجده مکتب آیین بودای کهن که در قرن سوم ق.م از هینه‌یانه جدا شد و متون (تری‌پیتکه) خاص خود را پدید آورد،^۳ که به دستوره‌های اخلاقی اشاره دارد و در کانون تبتی نگاهداری می‌شود رهروان زن و مرد از انجام عمل سقط جنین منع شده‌اند.^۴

1. Reynolds, Frank E., Mani B. Reynolds, trs and Eds, *Three Worlds According to King Ruang: A Thai Buddhist Cosmology*, Berkeley, 1982, pp.5-45.

2. Ibid, pp.118-119.

۳. پاشایی، ع، هینه‌یانه، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸۹ به بعد.

4. Stott, David, 'Buddhadharma and Contemporary Ethics', *Religion*, 22, 1992, pp.173-4, 181.

زیرا گفته شده است که «از اولین لحظه ورود آگاهی (گندروه) به کالبد در رحم مادر تا خروج آن از کالبد در لحظه مرگ، زندگی انسان جریان دارد».^۱ دیوید استات، با استناد به منابع سنت تبتی، دلیل می‌آورد که سقط جنین عملی است به شدت خطا که هم با اخلاق شراوکه‌ها [= پیروان مکتب هیینه‌یانه] ناسازگار است و هم با آموزه کرونا^۲ یا مهر و غمخواری یا خیرخواهی برای همه جانداران در مه‌ایانه جمع نمی‌شود. سپس اضافه می‌کند که نه تنها انجام بلکه توصیه به دیگران نیز یک کردار بد انگاشته می‌شود.^۳

وانگهی، تفسیر آموزه‌های سنتی در پرتو کشفیات علمی جدید مانند تخمک‌گذاری، که امروزه رایج‌ترین تصور در میان بوداییان به ویژه در کشورهای سنتی است، این است که زندگی فرد با باروری آغاز می‌شود. بنابراین، در اکثر این کشورها سقط جنین را مخالف اولین دستور از دستورهای بودایی می‌دانند. آیین بودا، هماهنگ با کل سنت هندی، مقتضیات اخلاق را تعهد یا وظیفه می‌داند. این تعهدها را مقتضیات ضمنی آیین (درمه) می‌دانند. کلی‌ترین تعهدهای اخلاقی در پنج دستور، یا پنج فریضه، آمده است. رایج‌ترین دستورها یا فرایض در آیین بودا این پنج دستور یا پنج فریضه است:

۱. تعهد می‌کنم به خویشنداری از گرفتن جان؛
۲. تعهد می‌کنم به خویشنداری از دزدی؛
۳. تعهد می‌کنم به خویشنداری از بی‌عفتی؛
۴. تعهد می‌کنم به خویشنداری از دروغ‌گویی؛
۵. تعهد می‌کنم به خویشنداری از می‌خواری.^۴

اولین دستور توصیه به «نیازردن» هر چیزی است که «زندگی» دارد و «نفس» (به پالی: پانیه،^۵ به سنکریت: پرانیه^۶) می‌کشد. اما معنای پانیه گسترده‌تر از «نفس کشیدن» است و بیشتر به «نفس حیاتی» یا «دم زندگی» یا «جان» اشاره دارد. پانیه در بافت پزشکی یکی از

1. *Vinaya Pitaka*, (tr. I. B. Horner), 1938–66, III, p.73.

2. *krūnā*

3. Stott, David, *A Circle of Protection for the Unborn*, Bristol, 1986, p.15.

۴. شجاعی، علیرضا، «بنیادهای اخلاق بودایی و الگوهای غربی»، فصلنامه اخلاق و حیانی، ۶، ۱۳۹۳ش، صص ۱۲۶-۱۲۷.

5. *pāṇa*

6. *prāṇa*

اخلاط بدن آدمی است که به مثابه نیروی بنیادین رشد زیستی شناخته می‌شود و شاید بتوان آن را با مفهوم امروزی متابولیسم (سوخت و ساز) یکی گرفت. از آنجا که این فرایند در تمام مراحل زندگی جنین وجود دارد، نمی‌توان دلیل آورد که دفاع اخلاقی اولین دستور شامل موجود زاده نشده نمی‌شود. وانگهی، از آنجا که این جریان متابولیسمی در تمام طول بارداری و پس از آن ادامه دارد، نمی‌توان دلیل آورد که می‌توان یک مرحله خاص از رشد جنین را نشان داد - مانند امکان ادامه حیات برای جنین در بیرون زهدان در هفته ۱۲م (شش ماهگی) - و مدعی شد که سقط جنین فقط تا این مرحله مجاز است.

اگر در نقش دفاع اولین دستور از پنج دستور تردید کنیم در سومین پاراجیکه^۱ در سبد وینیه،^۲ اولین بخش *کانون پالی*، مجموعه متون متعلق به سنت هینه‌یانه، نمی‌توان تردید کرد که «گرفتن جان انسان»^۳ را ممنوع و نابخشودنی می‌خواند. قانون‌نامه دیری بودایی (پراتی موکشه)^۴ در سبد انضباط دیری (وینیه پیتکه)^۵ از چهار خطای بزرگ نام می‌برد که رهرو در صورت ارتکاب آنها با کیفر اخراج همیشگی از سنگه (انجمن دیری) مواجه می‌شود. این چهار خطا اینهاست: ۱. رابطه جنسی یا بی عفتی، ۲. گرفتن مال داده نشده یا دزدی، ۳. گرفتن جان یا قتل، و ۴. ادعای داشتن نیروهای فراطبیعی یا کرامات. رهروی که مرتکب یکی از اینها می‌شود را به «برگ خزان» یا «نخل بی سر» تشبیه کرده‌اند.^۶

به‌رغم ممنوعیت و محکومیت سقط جنین، موارد تاریخی ثبت شده‌ای هست که وینیه از آنها پرده برمی‌دارد. طبق گزارش‌ها، برخی رهروان که از دانش پزشکی سررشته داشتند گاه به صورت غیرقانونی عمل سقط جنین را انجام می‌دادند. رهروان بارها نقش مشاور خانواده را داشتند، و اغلب پای آنان به مشکلات خانوادگی، مانند بارداری ناخواسته، کشیده می‌شد. برخی از انگیزه‌هایی که در منابع برای سقط جنین برشمرده‌اند به سرپوش گذاشتن روی خیانت همسران بازمی‌گردد. برای مثال زن متأهلی که از رابطه نامشروع باردار می‌شد به عمل سقط جنین تن می‌داد تا از وارث حقیقی حمایت شود. گاه رهروان برای کسب

1. pārajika

۲. برای وینیه، نک: پاشایی، *بودا*، تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۲۹۷.

3. manussa-viggaha

4. Prātimokṣa

5. Vinaya Pitaka

6. Keown, Damien, pārajika-dharma, *Oxford Dictionary of Buddhism*, New York, 2004, p.211.

تجربه و آزمودن دانش پزشکی خود اقدام به سقط جنین می‌کردند. روش‌هایی هم که برای سقط جنین به کار می‌رفت شامل چرب کردن، خوراندن معجون، استفاده از طلسم و جادو، فشار وارد کردن به زهدان، و خشکاندن جنین با حرارت دادن بود. رهروانی که عمل سقط جنین انجام می‌دادند برای همیشه از سنگه اخراج می‌شدند، و این تنها مجازات سخت سنگه بود.

در متون بودایی هیچ تفسیری نمی‌توان یافت که برای سقط جنین دلایل درمانی آورده باشد.^۱ احتمالاً این کار فراتر از دانش پزشکی آسیایی باستان بوده است. مثلاً گاه ادامه بارداری برای مادر خطر مرگ به همراه دارد، اما هیچ توصیه بودایی در این باره نشده است. فلوریدا معتقد است شخصی که درگیر این مسئله است این‌جا باید به حال خود واگذارده شود تا به کمک عقل (فراشناخت) و عاطفه (غمخوارگی) تصمیم دشواری بگیرد. اما با وجود شفاف بودن سخن بودا آیا می‌توان تصمیم در این باره را به شخص واگذار کرد؟

تردیدی نیست که سقط جنین در شرایطی که اگرچه جان مادر در خطر نیست اما سلامت او را به خطر می‌اندازد نامجاز است. فراهم آوردن زمینه مرگ جنین نیز خلاف اولین دستور است. اما شاید برخی دلیل بیاورند که چون گاه حفظ جنین برای مادر و جامعه در کل خطر بیشتری دارد تا سقط آن، پس می‌توان سقط جنین را به عنوان «قتل موجه» مجاز دانست. اما هیچ معیار یا شیوه مطمئنی برای این کار در دست نیست، و از آن‌جا که کشتن جنین یک کردار بد است، سقط جنین را نمی‌توان مجاز دانست. تمام موارد سقط جنین که در متون بودایی کهن گزارش شده است به بارداری‌های ناخواسته‌ای اشاره دارد که مادر را در شرایط بد اقتصادی و اجتماعی قرار می‌داد^۲ و می‌دانیم که همه آنان نکوهش و محکوم شده‌اند. بارداری از راه رابطه نامشروع غالباً یکی از عواملی بود که زن را وامی‌داشت به سقط جنین به عنوان یک راه حل تن دهد. رابطه نامشروع به یک بارداری ناخواسته می‌انجامد، که آن نیز به سقط جنین می‌انجامد، و سپس آن نیز به کشتن جنین می‌انجامد، و آن نیز کرمه نامطلوب به بار می‌آورد. در نتیجه، یک گُنش بد، تا مادامیکه شخص آشفته و بی‌هدف زندگی می‌کند، به گُنش بد دیگر می‌انجامد.

1. Keown, Damien, 1995, p.92.

2. Ibid.

برخی از آثار عامیانه‌تر عواقب کرمه‌یی شوم سقط جنین را، گاه با جزئیات تکان‌دهنده، شرح می‌دهند که نشان می‌دهد که نقض دستورهای اخلاقی مجازات به همراه دارد. داستان‌های آمده در شرح کتاب *دمه‌پده*^۱ (راه آیین)، کتاب *پته‌وتو*^۲ (داستان‌های درگذشتگان)، کتاب *جاتکه‌ها*^۳ (داستان تولدهای پیشین بودا)، مانند *سمکیچه جاتکه*^۴ عواقب شوم سقط جنین را برمی‌شمرد، مانند محرومیت از فرزندآوری در زندگی‌های بعدی، گرفتار انتقام شدن، و تولد در دوزخ. بنابراین، آموزه‌های اولیه، در هر دو سطح عالمانه و عامیانه، عمل سقط جنین را عملی غیراخلاقی می‌داند که رنج کرمه‌ای به دنبال دارد.

اما از سوی دیگر، برخی معتقدند که این دستورها نهایی نیستند بلکه موقتی‌اند. طبق این نظر، دستورها فقط برای یک دوره خاص در زندگی فرد طراحی شده‌اند، مانند روزه‌داری و پرهیز از خوردن و آشامیدن در بخشی از ساعات روز. رابرت فلوریدا می‌نویسد شکل این دستورها نشان می‌دهد که یک سری تعهدات شخصی یا دستورات عمل موقت هستند که شخص با پیروی از آنها صرفاً گام نهادن در راه بودایی را آغاز می‌کند. از همه مجربان بودایی انتظار می‌رود که از پنج دستور اول پیروی کنند و هر کس که آنها را نقض کند از عواقب شوم کرمه‌ای آن در امان نخواهد بود. با این همه، این دستورها فرمان‌های مطلق و نهایی نیستند.^۵

اینان دلیل می‌آورند که اعمال شخص تابع قوانین علیت است و سرنوشت شخص با نتایج کرمه‌ای رقم می‌خورد: اعمال بد به زندگی بعدی بد و اعمال خوب به زندگی خوب می‌انجامد. نتایج اخلاقی یک عمل با اراده یا نیت (چیتنا)^۶ شخص تعیین می‌شود.^۷ نیت پشت یک عمل اگر ریشه در آز و کینه و فریب داشته باشد، که در آیین بودا سه ریشه

1. Dhammapada
2. Petavatthu
3. Jātaka
4. Samkicca Jātaka
5. Florida, Robert, "Buddhism and Abortion", *Contemporary Buddhist Ethics*, Damien Keown (ed.), London, 2000, p.141.
6. cetanā

۷. شجاعی، علیرضا، «بنیادهای اخلاق بودایی و الگوهای غربی»، فصلنامه اخلاق و حیوانی، ۶، ۱۳۹۳ش، ص ۱۲۳.

زهرآگین خوانده می‌شود، عمل شخص بد (اکوُشکه)^۱ است. کنش‌های بد همواره برای انجام دهنده و دیگران نتایج بد به دنبال دارد.^۲ این را نباید یک آموزه جبرگرایانه یا بدبینانه در نظر گرفت زیرا چاره‌ای که بودا برای حل این مسئله اندیشیده است عملاً کنش‌های خوب را به جای کنش‌های بد می‌نشانند. راه حل بودا برای جایگزینی کنش‌های خوب با کنش‌های بد پیروی از «دستورهای اخلاقی بودایی» است که به جلوگیری از پیامدهای کرمه‌یی بد می‌انجامد و کاری می‌کند که پیامدهای خوب تحقق یابد.

از این رو، دستورهای اخلاقی از دید بودا مطلق نیستند بلکه نسبی هستند. نسبت دستورها را می‌توان با تفاوت شمار آنها برای افراد مختلف نیز نشان داد، به طوری که شمار آنها برای افراد معمولی پنج تا، برای افراد متعهدتر هشت تا، و برای رهروان مرد و زن بیش از دویست تا است. دستورها صرفاً «قواعد تربیتی» هستند که فرد با به جا آوردن آنها در طول زندگی شرایط خود را بهتر می‌کند. برخی گفته‌اند که دستورها حتا برای رهروان فقط برای یک دوره کوتاه است. برای مثال، مراقبه‌گر باید در طول دوره زاویه‌گیری از لذت جنسی پرهیز کند. گونه‌تیلکه، یک بودایی تیره‌واده‌ای سری لانکایی، می‌نویسد:

این را ... باید دریافت که دستورها قواعد تربیتی هستند، نه فرمان خداوند، بودا یا دیگری. شخص فقط تا زمانی دستورها را به جا می‌آورد که برای او سودمند باشد.^۳ اما چه‌گونه می‌توان مجازات قتل انسان را موقتی دانست. گویا گردش انسان در طول هزاران زندگی به ما این اجازه را می‌دهد که برچسب‌هایی مانند «بالقوه» یا «بالفعل» را در هر مرحله معین برای آن به کار ببریم و ادعا کنیم که موضع اولین دستور، نیاززدن زندگی، نسبت به فرد مدام در حال تغییر است، به طوری که گاه از آن حمایت می‌کند و گاه نمی‌کند. چه اندیشه غربی! قوانینی که بودا برای پیمودن راه وضع کرد از پیش خود نبود بلکه تابع قانون کیهانی بود. بودا به هیچ وجه قادر به تغییر قانون کیهانی (قانون کرمه) نبود

1. akuśāla

۲. راه آیین (دمه‌پده)، ترجمه و تألیف ع. پاشایی، تهران، ۱۳۸۰ش، قطعه ۱-۲۰.

3. Goonatilake, Hema, "Women and Family in Buddhism", *Buddhist Perception for Desirable Societies in the Future*, Sulak Sivaraksa (ed.), Bangkok, 1992, p.235.

بلکه کوشید تا آن را به درستی بشناسد و راه رهایی را از میان آن بیابد. قانون کرمه به ما می‌گوید که هر عملی عکس‌العملی دارد:

«مرد اگر با دل آلوده چیزی گوید یا کاری کند رنجش در پی آید».^۱

پس، از آنجا که بودایی‌ها جنین را یک انسان می‌دانند، «سقط جنین» زیر چتر حمایتی اولین دستور قرار می‌گیرد، و انجام آن قتل به شمار می‌آید. در بخش *وینییه کانون پالی*، اولین و کهن‌ترین متون بودایی، عبارتی هست که به روشنی به این موضوع اشاره دارد: «رهرو پذیرش شدهٔ کامل نباید دانسته جانداران را از داشتن زندگی محروم کند حتا اگر موری باشد. رهروی که دانسته انسانی را از زندگی محروم کند، حتا اگر جنین باشد، دیگر پیرو بودا نخواهد بود. رهروی که دانسته انسانی را از زندگی محروم کند دیگر هرگز پیرو بودا نخواهد شد، به کردار صخره‌ای دو نیم شده دیگر هرگز به هم نمی‌رسند».^۲ بوده‌گوسه، مفسر تیره‌واده‌یی قرن پنجم، که سخنانش هنوز تأثیرگذار است و ارزش و اعتبار را دارد، در تفسیر یکی از عبارتهای *وینییه*، روشن می‌کند که کشتن جنین برابر با کشتن یک انسان بالغ بوده و خطای بزرگی است. او در مورد گیرانداختن کسی به قصد کشتن این طور نتیجه می‌گیرد:

«اگر زن بارداری سقوط کند و با فرزند در شکم خود هر دو بمیرند، دستور پرهیز از قتل را دو بار نقض کرده است. اگر فقط کودک بمیرد، یک بار نقض کرده است، و اگر کودک بماند و مادر بمیرد، نیز یک بار نقض کرده است».^۳

متون و تفسیرهای اولیه روشن و استوارند. زندگی انسان از همان آغاز بسته شدن نطفه در زهدان آغاز می‌شود، و کیفر قتل جنین به سنگینی قتل یک شخص بالغ است. منابع تبتی، که متأخرترین متون بودایی است، دیدگاه تیره‌واده اولیه را تأیید می‌کند. بوداییان تبتی اولیه و کنونی با تکیه بر سنت *وینییه‌شان*، سقط جنین را قتل نفس می‌دانند.^۴ متون طب تبتی، که از طریق نظام دیری انتقال یافته است نیز در بحث جنین‌شناسی به روشنی بیان می‌کند که جنین در همان مراحل اولیه یک انسان کامل است؛ درست همان زمان که یک عنصر نامادی

۱. *راه آیین (دمه‌پده)*، ترجمه و تألیف ع. پاشایی، تهران، ۱۳۸۰ش، قطعه ۱.

2. *Vinaya Pitaka*, (tr. I. B. Horner), 1938–66, I. p.97.

3. Keown, Damien, 1995, p.96.

4. Stott, David, 1992, pp.173-74.

(ویگیانه یا آگاهی) با دو عنصر مادی زن و مرد (تخمک و اسپرم) در آمیزش جنسی با هم ترکیب می‌شود، انسان شکل می‌گیرد. «از لحظه بارداری، به نیروی کرمه، آگاهی دم حیات را در جنین می‌دمد»^۱ از این رو، تعجبی ندارد که همه رهبران بودایی تبتی از قدیم‌الایام تا کنون عمل سقط جنین را نکوهیده‌اند.^۲ پس روشن است که بوداییان تبتی، که نماینده سنت مهاییانه‌اند، با این نظر موافق‌اند که سقط جنین یک عمل خشونت‌بار به قصد کشتن جنین کرداری به شدت مضموم است. اینان پیش‌گیری از بارداری را، مشروط به آن که موجب آزار جنین یا زوجین نشود، به مثابه دستاویز خوب (اوپایه) می‌دانند. کنچن ترانگو رینپوچه، یک رهبر بودایی تبتی معاصر، عبارتی دارد که نشان می‌دهد که آیین بودا از پیش‌گیری حمایت می‌کند، می‌نویسد:

«من شخصاً پیش‌گیری را خطای بزرگی نمی‌دانم. اما اگر بارداری اتفاق افتاد، کشتن جنین به معنای قتل یک جاندار است، و چنین قاتلی از شرافت بی بهره است».^۳

۳. سقط جنین و میزان مجازات

یکی از بحث‌های حاشیه سقط جنین که بیشتر در غرب و زیر تأثیر دانش جنین‌شناسی جدید صورت گرفته است «رابطه سقط جنین و میزان مجازات» است. برخی معتقدند که میزان مجازات سقط جنین در مراحل مختلف جنین متفاوت است و عامل این تفاوت را در سن جنین و نیت قاتل و میزان درد فیزیکی جنین دانسته‌اند.

۱.۳. رابطه سقط جنین با سن جنین

سقط جنین در کشورهای اروپایی بر اساس سن جنین متفاوت است. طبق قانون، سقط جنین در انگلستان و ویلز تا هفته ۲۸ (هفت ماهگی) مجاز است (اگرچه جنین از هفته ۲۳ (شش ماهگی) به بعد می‌تواند بیرون از رحم زنده بماند)، و در فرانسه سقط جنین مطابق قانون تا هفته ۱۰ (دو و نیم ماهگی) است. اما آیین بودا در این مناطق رفتار متفاوتی با جنین

1. Dummer, Tom, *Tibetan Medicine and Other Holistic Health- Care Systems*, London and New York, 1988, pp.45-46.

2. Keown, Damien, 1995, p.103.

3. Stott, David, 1992, p.174.

دارد. آیین بودا در هیچ‌یک از هفته‌های رشد جنین اجازه سقط نمی‌دهد.^۱ در باور بودایی مجازات قتل جنین با مجازات قتل یک انسان بالغ برابر است.^۲ مجازات قتل جنین در هفته‌های اول نسبت به هفته‌های آخر کمتر نیست.^۳

یکی از بحث‌های اخیر این است که آیا، از منظر بودایی، عمل سقط جنین در روزهای آخر نسبت به روزهای اول ناپسندتر است یا نه؟ ترور لینگ و پیتز هاروی گزارش کرده‌اند که برخی بوداییان معتقدند که نتایج کرمه‌ای بد سقط یک جنین بزرگ در قیاس با نتایج کرمه‌ای بد سقط یک جنین کوچک به مراتب بزرگ‌تر است.^۴ اما بوده‌گوسه عبارتی دارد که گزارش‌های این دو بوداپژوه را تأیید نمی‌کند:

«تعهد می‌کنم به رعایت قاعده پرهیز از گرفتن جان». ... «گرفتن جان» یعنی کشتن هر چیزی که زندگی می‌کند. این قاعده به قتل و از پا درآوردن جانداران اشاره دارد ... «گرفتن جان» یا گرفتن زندگی به معنای اراده بر کشتن چیزی است که خود شخص از آن تلقی «زندگی داشتن» دارد، یعنی پایان دادن به نیروی زندگی در آن چیز، تا آنجا که این اراده در کردار و گفتار نشان داده شود. درباره کشتن حیوانات، کشتن حیوان بزرگ بدتر از کشتن حیوان کوچک است. چون مستلزم تلاش بیش‌تری است. حتا آنجا که تلاش‌ها یکی باشد، میان جثه بزرگ و کوچک باید فرق گذاشت. درباره قتل انسان‌ها، هر قدر که (مقتول) بافضیلت‌تر باشد، (قاتل) سزاوار نکوهش بیش‌تری (یا، مجازات سنگین‌تری) است. از این گذشته، میزان جرم به شدت قصد کشتن وابسته است.^۵

کیون در توضیح یک عبارت مشابه از بوده‌گوسه اشاره می‌کند که مسئله بزرگ و کوچک بودن فقط مربوط به حیوانات است و در هیچ یک از متون و تفسیرها برای جنین به کار نرفته است.^۶ همه متون بودایی، با قطع نظر از مراحل رشد جنین یا مقایسه روز اول با روز آخر یا اندازه جنین، سقط جنین را قتل نفس دانسته‌اند. استات نیز در پژوهشی جداگانه به همان نتایج کیون رسیده است، این که اندازه اهمیتی ندارد، و این نظر کهن

1. McDermott, J. P., "Abortion in the Pāli Canon and Early Buddhist Thought", *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), London, 1998, pp.160-161.

2. Keown, Damien, 1995, p.93.

3. Stott, David, 1992, p.176.

4. Keown, Damien, 1995, p.96.

5. Conze, Edward, *Buddhist Scriptures*, London, 1960, pp.70-71.

6. Keown, Damien, 1995, p.97 ff.

بودایی را تأیید می‌کند که می‌گوید: «در لحظه بارداری، ویگیانه با تخمک و اسپرم به هم می‌آمیزد». وی می‌نویسد:

«جنین نه یک فرد "ذی روح ناقص" است و نه یک موجود "بالقوه"، بلکه یک جاندار تجسد یافته، اگرچه کوچک، است. سخت است این مدعا برای یک بودایی غربی که بگوید شدت سقط یک جنین کوچک از یک جنین بزرگ کمتر است»^۱.

در حالی که سخن استات در این باره طبق آموزه بودایی درست به نظر می‌رسد، همچنان که کیون نیز پیش از این به این نکته اشاره کرده بود، اما طبق دانش جنین‌شناسی جدید می‌توان دلیل آورد که سقط یک جنین بزرگ نسبت به یک جنین کوچک بدتر و شدیدتر است. به سخن اکسل: «اگر میزان شدت رنج در این دنیا به میزان بد بودن کرمه وابسته باشد، در این صورت می‌توان گفت که شدت کشتن یک نطفه آغازین از کشتن یک جنین بالغ کمتر است»^۲. این سخن اکسل تا حدی با اصول اخلاق بودایی نیز مطابقت دارد. دلایل بالینی متعددی نیز وجود دارد که این نظر را تأیید می‌کند، همچنان که بودایی‌های تایلند نیز از آن دفاع می‌کنند.^۳ وانگهی، شمّ انسانی نیز این را به لحاظ اخلاقی تأیید می‌کند که شدت سقط یک جنین بالغ از یک جنین نوبا بیشتر است. رنج روحی و فیزیکی که مادر به هنگام عمل سقط یک جنین بالغ می‌برد نسبت به یک جنین نوبا یکی نیست. تلاشی که یک قابله برای سقط یک جنین بالغ می‌کند نسبت به یک جنین نوبا یکی نیست. اما پرسش این است که ربط و نسبت این سخنان با سخنان بودا و عبارت‌های متون بودایی چیست؟

پیتر هاروی، که خود معتقد است در برخی از عبارت‌های متون ابهام وجود دارد،^۴ می‌گوید در وینیه آمده است که کشتن یک مورچه در قیاس با کشتن یک فیل شدت کمتری دارد،^۵ پس کشتن یک جنین نیز در قیاس با کشتن یک انسان بالغ باید از شدت کمتری برخوردار باشد. اگرچه در اصل کشتن هر دو کار خطایی است و مجازات هر دو از دید

1. Stott, David, 1992, p.176.

2. Exell, p.220.

3. Ratanakul, Pinit, "Socio-Medical Aspects of Abortion in Thailand", *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), London, 1998, pp.56-57.

4. Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhist Ethics*, Cambridge, 2000, pp.315-317.

5. *Vinaya Pitaka*, (tr. I. B. Horner), 1938-66, I. p.97.

سنت یکی است.^۱ ترور لینگ نیز پس از بررسی دیدگاه‌های بوداییان تایلند و سری لانکا می‌نویسد: «در این کشورها شدت گرفتن جان پشه نسبت به سگ کمتر است؛ شدت گرفتن جان سگ نسبت به فیل کمتر است؛ شدت گرفتن جان انسان از فیل بیشتر است؛ و شدت گرفتن جان یک رهرو از همه بالاتر است». همه این موارد را از متون می‌توان دریافت، اما اینان از این موارد این طور نتیجه گرفته‌اند که «کشتن جنین در نزدیکی ماه‌های آخر نسبت به جنین در آستانه تولد از شدت کمتری برخوردار است».^۲

اما این برداشتی نادرست از شرحی است که بوده‌گوسه بر وینیه نوشته و مراد او اشاره به تأثیر «اندازه» جثه قربانی (یکی از دو معیار مهم، که دومین معیار آن «فضیلت» است) در سنجیدن شدت نقض اولین دستور است. چون جنین در هفته‌های آخر بسیار بزرگ‌تر است دلیل می‌آورند که سقط جنین در هفته‌های آخر بدتر از هفته‌های اول است. اما این برهان این نکته را نادیده می‌گیرد که مراد بوده‌گوسه از اندازه صرفاً برای حیوانات به کار می‌رود. از این رو، کشتن یک حیوان بزرگ مانند فیل ناپسندتر از کشتن یک موش است، زیرا کشتن یک فیل مستلزم عزم و اراده بزرگ‌تری است. روشن است که این «معیار اندازه» برای انسان به کار نمی‌رود، و نباید این طور نتیجه گرفت که کشتن انسان با جثه بزرگ ناپسندتر از انسان با جثه کوچک است. معیاری که بوده‌گوسه برای انسان برشمرده است «معیار فضیلت» است.^۳ بنابراین، ارزش زندگی همه انسان‌ها با هم برابر است و فقط زندگی انسان با فضیلت از ارزشمندتر است.^۴

۲.۳. رابطه سقط جنین با نیت قاتل

تا این‌جا نگاه ما به سقط جنین یک نگاه آبجکتیو، از بیرون، بود. اما از منظر بودایی، سقط جنین یک انگیزش و قصد درونی است که تأثیرات اخلاقی و کرمه‌ای به دنبال دارد. سقط جنین از منظر بودایی عملی با پیامدهای بزرگ است.^۵ آز و کینه و فریب، این سه ریشه که

1. Harvey, Peter, 2000, p.316.

2. Ling, T. O., "Buddhist Factors in Population Growth and Control: A Survey Based on Thailand and Ceylon", *Population Studies*, 23 (I), 1969, p.58.

3. Keown, Damien, 1995, pp.96, 99.

4. Ibid, p.97.

5. Taniguchi, 1987, chs. 4-5.

از اندیشه‌های ناپاک مردان و زنان برمی‌خیزد (دمه‌پاده: ۱-۲۰) می‌تواند نیت را بیالاید و در تصمیم‌گیری درباره سقط جنین تأثیر بگذارد. آز یا دل بستگی شهوانی پشت هر اندیشه شخص قرار می‌گیرد و فقط به خواسته‌های خود اهمیت می‌دهد. آز یا طمع به مفهوم «این منم» یا «این مال من است»، «این جنین من است» به فرد می‌چسبد و کاری می‌کند که شخص هر چه بخواهد با آن کند. کینه یا دشمنی در شخص انگیزه هجوم و ضربه زدن به جنین را پدید می‌آورد. فریب یا نادانی پیش چشم شخص را تیره و تار می‌کند و او را وامی‌دارد جاندار بودن جنین را نفی کند. مبنا قرار دادن سه ریشه زهرآگین آز و کینه و فریب در تصمیم‌گیری‌ها، ریشه‌ای‌ترین خطاست. سه ریشه زهرآگین به دلیل نبود بینش به این آموزه بودا برمی‌خیزد که «همه جانداران وابسته به هم‌اند»، و نیز از این اندیشه خطا بر می‌خیزد که «من» از «دیگری» جداست. وقتی پرگیا یا «فراشناخت» نباشد، کرونا یا «غمخوارگی» کم می‌آورد، و اوپایه یا «دستاویز خوب» نیز جایی برای عرض اندام نخواهد داشت.

زیر سایه علیت مشروط، سقط جنین، که کودک را در کام مرگ فرو می‌برد، عواقب شوم کرمه‌ای دارد که دامن همه را می‌گیرد. وقتی سقط جنین موجب آزار و اذیت جنین را فراهم کند عواقب شوم کرمه‌ای آن دامن قابله، مشاور، دوستان، خانواده و همه کسانی را که به نوعی در این کار مشارکت داشته‌اند خواهد گرفت. شگفت آن که بوداییان معتقدند که تأثیرات کرمه‌ای دامن جنین را هم می‌گیرد:

«او که به تازگی رنج مرگ را تجربه کرده، و ترس و هراس از برزخ و ناامنی‌های آن را پشت سر نهاده، سرانجام نقطه‌ای را می‌یابد که می‌تواند نیروی خود را آنجا متمرکز کند. وقتی به طور ناگهانی دوباره از کالبد جدا می‌شود، ترس و هراس دوباره او را فرامی‌گیرد زیرا احتمال یک تولد دوباره نامطلوب بیشتر می‌شود».^۱

پس تأثیرات بد سقط جنین افزایش می‌یابد زیرا فرصت دوباره نادر زاده شدن به شکل انسان را، که تنها شکل وجود برای رشد روحی است، از کف می‌دهد. عواقب شوم کرمه‌ای سقط جنین در کتاب سه جهان به روایت روانگ شاه به تصویر کشیده شده است.^۲

1. Kennedy, Alex, 1985, pp.96-97.

2. Reynolds, Frank E., Mani B. Reynolds (trs. and eds.), 1982, p.98.

نیت یا اراده یکی از عناصر کلیدی در اخلاق بودایی است. در وینیه آمده است وقتی یک زن، چه برای خود چه برای هووی خود، برای انجام سقط جنین به یک رهرو مراجعه می‌کند، این کار بنا بر قصد رهرو احکام گوناگونی پیدا می‌کند، یعنی:

الف- اگر کودک بمیرد، نقض کامل اولین دستور است، و چون قصدش از آغاز همین بود برای همیشه از دیر اخراج می‌شود؛

ب- اگر فقط مادر بمیرد، اگرچه خطای بزرگی است اما چون نقض کامل دستور نیست موقتاً از دیر اخراج می‌شود. زیرا قصد کشتن مادر را نداشته است؛

ج- اگر هر دو زنده بمانند برای این کار فقط نکوهش می‌شود؛

د- اگر هر دو بمیرند، برای مرگ کودک طبق بند الف و برای مرگ مادر طبق بند ب داوری می‌شود؛

ه- اگر صرفاً راهنمایی کند که سقط جنین با فشار وارد کردن یا حرارت دادن عملی است و در نتیجه کودک بمیرد، اولین دستور را نقض کرده است.

به سخن دیگر، رهروی که مرتکب قتل شود به بالاترین کیفر انجمن می‌رسد؛ یعنی از انجمن اخراج و دیگر هیچ‌گاه دوباره پذیرش نمی‌شود. اما در واقع بالاترین کیفر را از عواقب شوم کرمه‌ای، هم در این زندگی و هم در زندگی بعدی، خواهد دید. این متن می‌کوشد که شرحی سودمند از واژه «انسان» ارائه دهد: «انسان در فاصله بین اولین لحظه پیدایش جان یا آگاهی در زهدان مادر، [یعنی] اولین آشکارگی ... ویگیانه، و مرگ [هستی دارد]». اینجا در هفت جای دیگر این متن، بودا برای رهروانی که عمل سقط جنین انجام می‌دادند یک سری قواعد بازدارنده وضع می‌کند.^۱ در همه موارد، با رهروانی که عمل سقط جنین انجام می‌دادند مثل قاتل رفتار می‌شد، و مجازات‌ها متناسب با قصد رهرو و نتیجه کار تعیین می‌شد. برای مثال، وقتی داروی سقط جنین به جای کودک باعث مرگ مادر می‌شد، مجازات سنگین بود، اما بالاترین مجازات اعمال نمی‌شد. همین طور، اگر مادر و جنین هر دو از عمل جان سالم به در می‌بردند، رهرو به شدت سرزنش می‌شد، اما برای همیشه از

1. Keown, Damien, 1995, p.95 ff; McDermott, J. P., "Abortion in the Pāli Canon and Early Buddhist Thought", *Buddhism and Abortion*, Keown (ed.), 1998, p.164 ff.

دیر اخراج نمی‌شد. زیرا اگرچه قصد کشتن جنین را داشت، اما عملاً قتل صورت نگرفته بود.

متون بودایی صراحتاً جنین را شخص کامل و کشتن او را با کشتن انسان بالغ برابر می‌دانسته‌اند و از این طریق راه را بر قاتلان جنین بسته‌اند، اما برخی بوداپژوهان به ویژه بودایی‌های غربی کوشیده‌اند که میان نیت، که در کردارها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، و سقط جنین پل بزنند و شدت سقط جنین را بسته به نیت قاتل متفاوت بدانند. دکتر پینیت رتنه‌کول با بررسی سقط جنین در میان بوداییان تایلند می‌نویسد: «درست است که قتل انسان به هر شکل که باشد نتایج کرمه‌ای بدی به همراه خواهد داشت. اما میزان شدت نتایج کرمه‌ای قتل به عوامل گوناگون مانند میزان نیت و کوشش قاتل، و نیز اندازه و چگونگی قتل بستگی دارد... در مورد سقط جنین، جنین در هر مرحله که سقط شود نتایج کرمه‌ای متفاوتی به دنبال خواهد داشت».^۱ وی سپس اشاره می‌کند که به همین دلیل زنان تایلندی بیشتر به سقط جنین در مراحل آغازین مبادرت می‌کنند. اما این می‌تواند به دلیل سهل‌تر بودن از میان بردن جنین در مراحل آغازین باشد حال آن‌که سرپوش گذاشتن روی جنین در مراحل نهایی کار ساده‌ای نیست.

پیتر هاروی نیز موافق با نظر رتنه‌کول می‌نویسد: «تردید نیست که آیین بودا سقط جنین را با قتل یک انسان بالغ یکی می‌گیرد، اما این بدین معنا نیست که شدت همه قتل‌ها به یک اندازه است». وی سپس قتل جنین را با قوانین کیفری آمریکا مقایسه کرده می‌نویسد: «در قوانین کیفری آمریکا مجازات قتل، بسته به شرایط و انگیزه قتل، متفاوت است». و در نهایت این طور نتیجه می‌گیرد که همان‌طور که نیت‌ها در قتل یکی نیست، نیت‌ها در سقط جنین نیز با هم فرق می‌کند.^۲ وی معتقد است که در آیین بودا زمینه برای این سخن فراهم است که گفته شود سن جنین در شدت سقط تأثیر دارد، می‌گوید: «اگرچه جنین در ماه‌های آخر فرق چندانی با نوزاد ندارد اما می‌توان گفت که سقط جنین به بدی قتل نوزاد نیست. می‌توان این‌طور گفت که بدی سقط جنین چیزی بین قتل شامپانزه و قتل نوزاد است».^۳ اما

1. Ratanakul, Pinit, "Socio-Medical Aspects of Abortion in Thailand", *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), 1998, p.56.

2. Harvey, Peter, 2000, p.317.

3. Ibid, p.318.

پیتر هاروی تناقض در گفتارهای خود را چگونه توضیح می‌دهد که می‌گوید «تردید نیست که آیین بودا سقط جنین را با قتل یک انسان بالغ یکی می‌گیرد». چگونه می‌توان جنین را هم با یک انسان بالغ برابر دانست و هم آن را از نوزاد کمتر شمرد؟ روشن است وقتی می‌گوید «سقط جنین به بدی قتل نوزاد نیست» دانش جنین‌شناسی جدید را در دل دارد، نه آموزه‌های بودا را.

۳.۳. رابطه سقط جنین با رنج فیزیکی جنین

رابرت فلوریدا نیز می‌گوید سقط یک جنین نوپا، در قیاس با یک جنین کامل، کمتر نکوهیده است زیرا درد کمتری می‌کشد، شدت رنجی که مقتول می‌کشد به شدت قتل وابسته است.^۱ چون مرگ از دید آیین بودا رنج است و این رنج زمانی شدیدتر می‌شود که با درد بیشتری همراه باشد. همان‌طور که دانش پزشکی نشان داده است احساس درد در جنین با جریان یافتن و بالا رفتن سطح هورمون استرس در هفته بیست‌وسوم به بعد آغاز می‌شود.^۲ اگرچه طبق متون بودایی، از همان آغاز، جنین با درد و رنج همراه است^۳ و از همان آغاز، نوعی حس لامسه در جنین هست^۴ اما می‌توان این‌طور گفت که هر قدر جنین بزرگ‌تر باشد درد و رنج بیشتری حس می‌کند. پس می‌توان گفت که سقط جنین در مراحل نهایی، در قیاس با مراحل آغازین آن، از شدت بیشتری برخوردار است. اما نباید از یاد بُرد که این دیدگاه‌ها مطابق با دانش جنین‌شناسی جدید است و در آیین بودا اشاره‌ای به بزرگ بودن یا کوچک بودن جنین نشده است. وانگهی، این نظر از پیش نماینده این مدعاست که جنین در آغاز ناقص است و این خلاف آموزه بوداست که می‌گوید «با بسته شدن نطفه یک انسان کامل و مستقل از مادر شکل می‌گیرد».

۴. سقط جنین و معیار «شخص بودگی»

بخش عمده بحث‌های فلسفی در غرب پیرامون سقط جنین بر محور سنجش «شخص

1. Florida, R. E., "Abortion in Buddhist Thailand", *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), 1998, p.16.
2. The Guardian newspaper, 8 July, 1994.
3. *Visuddhimagga*, 1975, p.500.
4. Vibh. p.413; AKB. II. p.14b.

اخلاقی» قرار دارد و روی مرحله‌ای متمرکز می‌شود که در آن جنین توانایی‌هایی پیدا می‌کند که آن را سزاوار داشتن جنبه اخلاقی می‌کند. بنیادهای فلسفی این رویکرد را لاک و کانت نهادند. کانت دلیل می‌آورد که فقط موجود عاقل «شخصی» با شأن اخلاقی است. از دید اینان پارادایم موضوع اخلاقی، برخورداری زن و مرد از همه توانایی‌های عقلانی خویش است. لاک و کانت این نتایج را برای سقط جنین به کار نبردند اما فیلسوفان معاصر که بر اساس دیدگاه اینان نسبت به سقط جنین موضع لیبرال گرفته‌اند دلیل می‌آورند که ارزش زندگی انسان به خودِ زندگی، به مفهوم زیستی، نیست بلکه به توانایی‌هایی مانند عقل، خودآگاهی، استقلال، توانایی برقراری ارتباط، و مانند این‌هاست که انسان‌ها به دست می‌آورند. می‌گویند این توانایی‌ها که باشد می‌توان از «شخص» اخلاقی سخن گفت، و اگر نباشد زندگی فقط زیستی است. طبق این استدلال، جنین پیش از کسب این توانایی‌ها فقط بالقوه «شخص» است نه بالفعل، و مدعی داشتن شأن اخلاقی کامل و حق زندگی نیست.

۱.۴. معیار شخص بودگی در اندیشه غیردینی

نمونه این رویکرد را در آثار فمینیست‌های معاصر، مانند مری آن وارن^۱، می‌توان یافت که پنج ویژگی آگاهی، عقل، کُنش خودانگیخته، توانایی برقراری ارتباط، و خودآگاهی را شرط تحقق «شخص» می‌داند. وارن معتقد است که جنین از نظر آگاهی و عقل چیزی بیش از یک ماهی نیست، پس سقط جنین غیراخلاقی نیست. اما این‌طور به نظر می‌رسد که وارن در تطبیق جنین با معیارهایی که خود می‌گوید گزینشی عمل می‌کند. برای مثال، با توجه به معیار چهارم، این پرسش مطرح می‌شود که آیا حرکت‌های جنین در زهدان، مانند لگد زدن، نوعی برقراری ارتباط با مادر نیست؟ یا، با توجه به معیار دوم، چه وقت و در چه مرحله می‌توان تعیین کرد که عقل دارد یا نه؟ اگر به دنیا بیاید و باز عقل یا اراده نداشته باشد چه؟ آیا مجاز هستیم او را به قتل برسانیم؟ طبق نظر خانم وارن مجاز هستیم هر نوزاد تازه متولد شده را نیز به قتل برسانیم. اما سنت‌گراها در مقابل موضع لیبرال‌ها برهان «شیب تند» را به کار می‌برند می‌گویند در هیچ‌یک از مراحل رشد جنین نمی‌توان با اطمینان نقطه مشخصی را

1. Mary Anne Warren

تعیین کرد و زیر آن خط کشید. هر خطی که با اطمینان کشیده شود مورد تردید خواهد بود و اغلب می‌توان جلوی شیب رشد تند جنین به سمت بارداری را، به عنوان تنها نقطه روشن خاستگاه حیات فردی بشری، گرفت. رازلیند پالک پچسکی، یکی دیگر از فمینیست‌های معاصر، می‌نویسد:

«چون جنین ساجکتیویته (تجربه آگاهانه شخصی، یا اراده) ندارد ... نمی‌توان آن را شخص دانست. فقط می‌توان ارزش آن را در بافت ارتباطات با دیگران، که در ساجکتیویته آنان شکل گرفته است، بدانیم. یک سقط جنین ناخواسته واقعه‌ای است که برای والدین چشم به راه درد و اندوه به بار می‌آورد، و به خاطر بافت آرزوها، مراقبت‌ها، و انتظارات اجتماعی که پیرامون بارداری شکل می‌گیرد، احساس عمیق خسارت به آنان دست می‌دهد. نبود کودک کافی برای قبول فرزندخواندگی، یا میل به فرزندآوری و داشتن پدر بزرگ و مادر بزرگ واقعی برای کودک، از دیگر شرایطی است که به جنین ارزش می‌بخشد. اما این [دلایل برای ارزش بخشیدن به جنین] ... بیرونی و سودگرایانه است ... و نمی‌توان دلیل آورد که جنین خودش ارزش ذاتی دارد»^۱.

اما طبق این معیار خانم پچسکی یک انسان بالغ بی اراده را نیز می‌توان به قتل رساند.

۲.۴. شخص بودگی در آیین بودا

پیش از این اجمالاً اشاره شد که آیین بودا جنین را انسان یا شخص می‌داند زیرا از تمام ویژگی‌های اصلی یک انسان برخوردار است. شکل‌گیری جنین به معنای ورود روح (گندروه) در رحم مادر است و این به معنای تشکیل پنج توده (کالبد، احساس، ادراک، هیجانات روحی و آگاهی) است که در بافت بودایی انسان یا شخص خوانده می‌شود. اینک در این‌جا می‌کوشیم این بحث را اندکی بازتر کنیم تا به فهم آموزه بودا نزدیک‌تر شویم. درباره دیدگاه‌های غیردینی، به ویژه فمینیستی، که سقط جنین را مجاز می‌دانند بحث‌های مفصلی درگرفته است و وارد شدن به این بحث‌ها از گستره این جستار بیرون است. در عوض اینجا می‌کوشیم نظر بودا را درباره شخص و زمان شکل‌گیری آن بیان کنیم. چیزی که در غرب شخص می‌خوانند در آیین بودا «پنج توده» خوانده می‌شود. همان‌گونه

1. Petchesky, Rosalind Pollack, *Abortion and Woman's Choice*, New York, 1984, pp.348-349.

که پیش از این اشاره شد، پنج توده که در آیین بودا به منزله اندام‌های سازنده شخص شناخته می‌شود اینهاست: ۱. کالبد ۲. احساس ۳. ادراک ۴. حالات روانی و ۵. آگاهی. اگر امکان نشان دادن این نظریه بود که پنج توده به تدریج و یکی یکی شکل می‌گیرند نه همه به یکباره، می‌توانستیم دلیل بیاوریم که زندگی جنینی که در مراحل آغازین شکل‌گیری است نسبت به جنینی که کامل شده است ارزش و اهمیت کمتری دارد. دومین توده به نیروی احساس مربوط است، برای مثال، شاید این اندیشه پیدا شود که در مرحله نطفه (هشت هفته اول) یا مرحله آغازین جنین (هفته نهم) که جنین رشد کافی نکرده است هنوز توده احساس شکل نگرفته است، زیرا نیروی احساس موقوف به شکل‌گیری مغز و سیستم عصبی مرکزی است. اما این استدلال با آموزه‌های بودا سازگاری ندارد، زیرا طبق تفسیرهای اولیه از اسکندها، این پنج توده یکجا در همان لحظه بازپیدایی یا تولد دوباره (به بیان دیگر، از لحظه بارداری) با هم شکل می‌گیرند. برای مثال، بوده‌گوسه با صراحت بیان می‌کند که توده روان-تنی (نام-رویه)^۱، که اشاره به عنوان کلی‌تر پنج توده است، در همان اولین لحظه پیدایش انسان کامل می‌شود. این بدین معناست که جنین از همان آغاز علاوه بر کالبد، از احساس، ادراک، حالات روانی یا هیجان‌ات روحی، و آگاهی برخوردار است. افزون بر این، آموزه تولد دوباره نمی‌گوید که نطفه (تخم بارور شده) جدید صرفاً «شخص بالقوه» ای است که برای اولین بار از نیستی به هستی می‌آید، بلکه می‌گوید که باشنده‌ای است که همواره حامل حاصل کرمه‌ای زندگی پیشین فرد متوفی است. اگر نوار کرمه‌ای را اندکی به عقب، مثلاً چند ساعت قبل، به لحظه پیش از مرگ متوفی در زندگی پیشین وی برگردانیم، نوعاً مرد یا زن بالغی را می‌یابیم که از همه ویژگی‌های «شخص» برخوردار است. شکل کالبد به هنگام تولد دوباره تغییر کرده است، البته شکل کالبد انسان‌ها همواره تغییر می‌کند، و طبق آموزه‌های بودایی چیزی که اکنون در بارداری در مقابل ما است همان فرد بالغ پیشین است با این تفاوت که اکنون نابالغ و در حال رشد فیزیکی است.

1. nāma-rūpa

نتیجه

سخنان بودا درباره انسان از مخالفت او با سقط جنین حکایت دارد. برخی از دستورهای اخلاقی بودایی، مانند اولین دستور از پنج دستور به صراحت سقط جنین را منع می‌کند. بسیاری از متون اصلی بودایی که حاوی سخنان شخص بودا است سقط جنین را خطایی بزرگی می‌دانند که عواقب شوم آن دامن شخص را هم در این زندگی و هم زندگی بعدی خواهد گرفت. طبق گزارش‌های متون بودایی، رهروانی که از دانش پزشکی سررشته داشتند و به خواست زنان باردار عمل سقط جنین انجام می‌دادند بلافاصله از دیر اخراج می‌شدند. همه جهان بودایی، چه شرق و چه غرب، سقط جنین را خطای بزرگی می‌دانند اما برخی بوداپژوهان به ویژه غربی‌ها کوشیده‌اند با تکیه بر دانش جنین‌شناسی جدید یا رفتار بوداییان برخی کشورها کیفر سقط جنین را بسته به سن جنین، نیت قاتل و درد فیزیکی جنین، در مراحل رشد جنین متفاوت نشان دهند، که این برداشتی ناصواب از آموزه‌ها و سخنان بوده‌گوسه، رهرو بودایی قرن پنجم و مفسر آثار بودایی اولیه است. اینان طبق برداشتی نادرست از متون وینییه و تفسیر بوده‌گوسه، سن جنین را در شدت مجازات کشتن آن تأثیرگذار دانسته می‌گویند کشتن جنین در روزهای اول نسبت به روزهای آخر از شدت کمتری برخوردار است. حال آن که سن و جثه فقط مربوط به حیوانات است. بوده‌گوسه کشتن جنین را برابر با قتل یک انسان بالغ دانسته است. معیاری که بوده‌گوسه برای قتل انسان به کار می‌برد «فضیلت» است. برخی دیگر نیز معتقدند که «دستورهای اخلاقی بودایی» مطلق و نهایی نیستند بلکه نسبی‌اند؛ دستورهای اخلاقی نه آنقدر بی ارزش‌اند که ترک شوند و نه آنقدر مهم که جزم‌اندیشانه به آنها چسبید. اما نمی‌توان پذیرفت که دستورها در یک زمان از جنین حمایت می‌کنند و کشتن آن را بالاترین خطا می‌دانند و در زمان دیگر از این حمایت دست برمی‌دارند.

طبق آموزه بودایی زندگی انسان از همان لحظه بسته شدن نطفه آغاز می‌شود و طبق دستورهای اخلاقی بودایی گرفتن جان انسان به هر دلیل که باشد مجازات کیهانی (قانون کرمه) را به دنبال خواهد داشت و کسی که به این عمل دست یازد دیگر پیرو بودا نخواهد بود. واپسین سخن آن که، آموزگاران بودایی معاصر سقط جنین را منع می‌کنند اما از پیش‌گیری حمایت می‌کنند.

منابع

- پاشایی، ع، بودا، چاپ هشتم (ویرایش سوم)، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۳ش.
- همو، هینه‌یانه، ویرایش دوم، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰ش.
- راه آیین (دقه‌پده)، ترجمه و تحقیق ع. پاشایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰ش.
- شجاعی، علیرضا، «بنیادهای اخلاق بودایی و الگوهای غربی»، فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق و حیاتی، ۶، ۱۳۹۳ش، ۱۱۹-۱۴۴.
- همو، «اخلاق مه‌ایانه: تغییر الگوهای هینه‌یانه و تأثیر آن در نجات‌شناسی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادیانی، ۱، ۱۳۹۲ش.
- کازینز، ال. اس، آیین بودا در جهان امروز، ترجمه و تحقیق: علیرضا شجاعی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش.
- Barnhart, Michael G., "Buddhism and the Morality of Abortion", *Journal of Buddhist Ethics*, 5, 1998.
- Conze, Edward, *Buddhist Scriptures*, London, Penguin Books, 1960.
- *Dīgha Nikāya* (Th.); (tr. T.W. and C. A. F. Rhys Davids), "Dialogues of the Buddha", 3 vols, London, PTS, 1899-1921.
- *Dīgha Nikāya* (Th.); (tr. M. Walshe), "Thus Have I Heard: The Long Discourses of the Buddha", in one volume, London, Wisdom Publications, 1987.
- Dummer, Tom, *Tibetan Medicine and Other Holistic Health- Care Systems*, London and New York, Routledge, 1988.
- Exell, R.H.B. "Science, Technology and Buddhism", *Sulak Sivaraksa, Buddhist Perception*.
- Florida, R. E., "Buddhist Approaches to Abortion", *Asian Philosophy*, I (i), 1991.
- Idem, "Abortion in Buddhist Thailand", *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), 1998.
- Florida, Robert, "Buddhism and Abortion", *Contemporary Buddhist Ethics*, Damien Keown (ed.), London, 2000.
- Goonatilake, Hema, "Women and Family in Buddhism", *Buddhist Perception for Desirable Societies in the Future*, Sulak Sivaraksa (ed.), Bangkok: The Inter-Religious Commission for Development, 1992.
- Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhist Ethics, Foundations, Values and Issues*, Cambridge, Cambridge University Press, 2000.
- Indasara, Wasin, *Theravada Buddhist Principles: Book II*, Bangkok, Mahakut Buddhist University, 1988.
- Kennedy, Alex, Dharmachari Subhuti, *the Buddhist Vision: An Introduction to the Theory and Practice*, London, Rider, 1985.
- Keown, Damien, *Oxford Dictionary of Buddhism*, Oxford University Press, New York, 2004.
- Idem, *the Nature of Buddhist Ethics*, London, Macmillan, 1992.

- Idem, *Buddhism and Bioethics (an analysis of Buddhist views relating to abortion, euthanasia and criteria of death)*, London, Macmillan and New York, St Martin's Press, 1995.
- Keown, Damien, ed., *Buddhism and Abortion*, London, Macmillan, which includes, by him, the introduction (pp. 1-9) and 'Buddhism and Abortion: Is there a "Middle Way"?' 1998.
- Ling, T. O., "Buddhist Factors in Population Growth and Control: A Survey Based on Thailand and Ceylon", *Population Studies*, 23 (I), 1969, pp.53-60.
- *Majjhima Nikāya* (Th.); (tr. I. B. Horner), "Middle Length Sayings", 3 Vols, London, PTS, 1954-9. Also tr. Bhikkhu Ñānamoli and Bhikkhu Bodhi, "the Middle Length Discourses of the Buddha", in one volume, Boston, Mass., Wisdom, 1995.
- McDermott, J. P., "Abortion in the Pāli Canon and Early Buddhist Thought", In *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), London, Macmillan 1998.
- Moore, K.L., *The Developing Human: Clinically Oriented mbryology*, Philadelphia, Saunders, 1973.
- Petchesky, Rosalind Pollack, *Abortion and Woman's Choice: The State, Sexuality and Reproductive Freedom*, New York, Longman, 1984.
- Ratanakul, Pinit, "Socio-Medical Aspects of Abortion in Thailand", *Buddhism and Abortion*, Damien Keown (ed.), London, Macmillan, 1998.
- Reynolds, Frank E., Mani B. Reynolds, trs and Eds, *Three Worlds According to King Ruang: A Thai Buddhist Cosmology*, Berkeley, University of California, 1982.
- *Samyutta Nikāya* (Th.); (tr. C. A. F. Rhys Davids and F. L. Woodward), "The Book of Kindred Sayings", 5 vols, London, PTS, 1917-30.
- Stott, David, *A Circle of Protection for the Unborn*, Bristol, Ganesha Press, 1986.
- Idem, *Buddhadharma and Contemporary Ethics: "Some Notes on the Attitude of Tibetan Buddhism to Abortion and Related Procedures"*, *Religion*, 22, 1992.
- Taniguchi, *A Study of Biomedical Ethics from a Buddhist erspective*, Berkeley, Graduate Theological Union and the Institute of Buddhist Studies, MA Thesis, 1987.
- *Vinaya Pitaka* (Th.), (tr. I. B. Horner), "the Book of the Discipline", 6 Vols, London, PTS, 1938-66.
- *Visuddhimagga* [of Buddhaghosa] (Th.); (tr. Bhikkhu Ñāṇamoli), "The Path of Purification", 3rd edn, Kandy, Sri Lanka, BPS, 1975, And 2 vols, Berkeley, Calif., Shambhala, 1976.